

غصه‌نان و مدال

حاشیه‌ای بر جرایمی تغییر تابعیت ورزشکاران ایرانی به بهانه بازگشت بهمن نصیری

قایقرانی که از آذربایجان به ایران برگشت



گزارش
سعید احمدیان

در دنیا در سیدنی ۱۰۰ مدهای طلا و نقره بر روی المپیک را گرفت و با پیشنهادهای ۲۰ میلیون دلاری ترک‌ها برای تغییر تابعیت و رویه‌ور شد، پیش از دو دهه می‌گذرد، سال‌ها بی‌گوشی که ورزش ایران کم‌ننده است که چنین پیشنهادهایی به دیگر قهرمانان از طرف کشورهای دیگر بشود. رضازاده ن گفت اما پس از او ورزشکارانی بودند که خیلی‌ها وقتش کمی‌دودها بی‌توجهی‌ها را دادند، با تمام عرقی که به کشورشان داشتند، به پیشنهادهایشان از خارج از ایران بله گفتند و با تغییر تابعیت زیر پرچم دیگری مسابقه دادند. شاید برخی بودند که با سوءاستفاده و سیاسی‌کاری و با وجود حمایت‌های حداکثری به پرچم کشورمان پشت کردند اما برخی هم بودند که هم نان و مدال نگذاشت آنها در ایران بمانند، یکی‌شان مانند بهمن نصیری ملی‌پوش قایقرانی که نامش خرده‌صاه با انصراف از رفتن به المپیک به نفع نازنین ملایی دیگر قایقرانی که با او مشترک رشته قایقرانی در مسابقات جهانی بود جلالی وطن‌گردد و برای آذربایجان مسابقه بدهد، اگر چه تصمیمش را عوض می‌کند و به ایران برمی‌گردد و پس از آن دو طلای آسیا و یک سهمیه المپیک برای ایران می‌گیرد تا نشان دهد که مسئولان باید قدر قهرمانانی مانند او را بیشتر از قبل بدانند، قهرمانی که با وجود افتخاراتش امروز لنگ یک شغل است!

از آن سال که حسین رضازاده پس از خیره کردن چشم‌های خیلی‌ها در دنیا در سیدنی ۱۰۰ مدهای طلا و نقره بر روی المپیک را گرفت و با پیشنهادهای ۲۰ میلیون دلاری ترک‌ها برای تغییر تابعیت و رویه‌ور شد، پیش از دو دهه می‌گذرد، سال‌ها بی‌گوشی که ورزش ایران کم‌ننده است که چنین پیشنهادهایی به دیگر قهرمانان از طرف کشورهای دیگر بشود. رضازاده ن گفت اما پس از او ورزشکارانی بودند که خیلی‌ها وقتش کمی‌دودها بی‌توجهی‌ها را دادند، با تمام عرقی که به کشورشان داشتند، به پیشنهادهایشان از خارج از ایران بله گفتند و با تغییر تابعیت زیر پرچم دیگری مسابقه دادند. شاید برخی بودند که با سوءاستفاده و سیاسی‌کاری و با وجود حمایت‌های حداکثری به پرچم کشورمان پشت کردند اما برخی هم بودند که هم نان و مدال نگذاشت آنها در ایران بمانند، یکی‌شان مانند بهمن نصیری ملی‌پوش قایقرانی که نامش خرده‌صاه با انصراف از رفتن به المپیک به نفع نازنین ملایی دیگر قایقرانی که با او مشترک رشته قایقرانی در مسابقات جهانی بود جلالی وطن‌گردد و برای آذربایجان مسابقه بدهد، اگر چه تصمیمش را عوض می‌کند و به ایران برمی‌گردد و پس از آن دو طلای آسیا و یک سهمیه المپیک برای ایران می‌گیرد تا نشان دهد که مسئولان باید قدر قهرمانانی مانند او را بیشتر از قبل بدانند، قهرمانی که با وجود افتخاراتش امروز لنگ یک شغل است!

۲ طلای آسیا + سهمیه المپیک
نصیری پس از بازگشت به ایران با کسب دو مدال طلا برای ایران در رقابت‌های کاپ آسیا و قهرمانی آسیا در سال ۲۰۱۹، پتانسیلش را نشان می‌دهد، او اردیبهشت هم در رقابت‌های کسب سهمیه المپیک همراه نازنین ملایی با کسب مدال نقره، سهمیه المپیک را می‌گیرد. با توجه به قوانین فدراسیون جهانی قایقرانی، با وجود کسب دو نقره سهمیه، تنها یک نفر از بین ملایی و نصیری باید به المپیک اعزام می‌شود که نصیری در یک تصمیم بزرگ و به گفته سهرابیان رئیس فدراسیون قایقرانی، پهلوپلوانه انصراف می‌دهد تا ملایی اعزام شود.

در حالی نصیری پس از بازگشت دوباره به ایران توانسته با



می‌خواستیم برای کشورم پارو بزنم، بازگشتم. در آن مدت با افشین فرزام که هری نیم ملی ایران بود، در تماس بودم و او من را به بازگشت تشویق کرد. پس از تغییرات با افشین فرزام صحبت کردم و تصمیم عوض شد و پارو زدن برای کشور خودم را انتخاب کردم



هدایت تیم مردان به من سپرده شد، بعد از اینکه آقای نصیری متوجه این موضوع شد با من در ارتباط بود و صحبت می‌کرد که نهایت تصمیم گرفت برگردد و در تیم ایران کارش را ادامه دهد. امیدوار شد که بتوانیم با هم نتایج خوبی کسب کنیم و این اتفاق هم افتاد و ما بعد از برگشت آقای نصیری، در اولین مسابقه‌ای که اعزام شدیم، ایشان توانست مدال طلای آسیا را کسب کند و در ادامه هم در کاپ آسیایی طلا گرفت و در نهایت هم در مسابقات کسب سهمیه المپیک که کار خیلی سختی بود، توانست مدال نقره بگیرد. به اهدافی که تعیین کرده بودیم برسیم و این باعث امیدواری و اعتماد بهمن نصیری شد که هم برگردد و هم نتایجی که دوست دارد به آن برسد.»

۳ توسعه ورزشکاران
افشین فرزام سرمربی تیم ملی روئینگ قایقرانی در گفت‌وگویی با «جوان» معتقد است قهرمانان و ملی‌پوشان امکانات و حمایت‌های اقتصادی، چه‌جا حاضرند در کشورشان بمانند، همچنین دوست دارند وقتی مانند نتیجه‌گیرند و یک بخش برای موفقیت در این زمینه مسائل فنی است و بخشی دیگر هم امکانات است. به خصوص که در رشته قایقرانی در بخش روئینگ امکاناتمان نسبت به سایر کشورهای خیلی ضعیف است. ورزشکارانی مانند بهمن نصیری به خلاف میل قلبی‌شان مهاجرت را انتخاب کرده بودند، در قدر که امکانات و تسهیلات کشورهای دیگر جذابیت داشته باشد اما قابل مقایسه با عرقی که می‌کلی‌پوش به کشورش دارد، نیست. سرمربی تیم ملی روئینگ با اشاره به اینکه عمر قهرمانی یک ورزشکار کوتاه است، ادامه می‌دهد: «وقتی می‌داند که یک سری امکانات دارد و می‌تواند پیشرفت مضاعفی داشته باشد، انگیزه‌تان هم بیشتر می‌شود. به هر حال عمر قهرمانی کوتاه است و شما در این مدت باید بیشترین بهره‌براری را داشته باشید.»

فرزام به این دغدغه‌ها و بسترهایی که باید برای جلوگیری از مهاجرت قهرمانان به وجود بیاید، اشاره می‌کند: «یک بخش این دغدغه‌ها مسئله زیرساخت‌ها و امکانات است. کشور آذربایجان چاره مقایسه‌بایران باید امکاناتی در رشته قایقرانی داشته باشد که حتی تیم‌های مطرح جهان برای برگزاری اردو به این کشور می‌روند، حتی آنها دو سال پیش بازی‌های اروپایی را با چه کیفیتی برگزار کردند، آیا نباید این امکانات در ایران هم باشد؟ بحث دوم وقتی به مری، چه ورزشکار یک کار تخصصی را انجام می‌دهد، به اندازه تخصص و زمانی که برای این کار می‌گذارد، باید بتواند بهره‌وری مالی داشته باشد تا بتواند زندگی‌اش را بچرخاند. بحث زیادخواهی نیست، حالا یک موقع هست که نیاز به تمرکز است که می‌گوید برای من این کار و این کار را بکنید. بحث ما آن حداقل‌هایی است که باید فراهم باشد تا ورزشکاران مری‌ا را شش‌خیالی برای آینده داشته باشند و بدانند که ما ۱۰ یا ۱۵ سال حضور در ورزش حداقل خیارش راحت است که بعد از آن می‌تواند زندگی‌اش را بچرخاند و محتاج کسی نباشد. این مسائل و نگاه به آینده باعث می‌شود که ورزشکار به جایی برود که بتواند آینده ورزشی‌اش را بسازد.»

سرمربی تیم ملی روئینگ معتقد است جلوگیری از تکرار مهاجرت ورزشکارانی مانند بهمن نصیری به تغییر نگاه مسئولان و تصمیم‌گیران ورزش احتیاج دارد: «امیدوارم مسئولان نگاه بلندمدتی به مشکلات و دغدغه‌های ورزشکاران داشته باشند و این طور نباشد که با یک نگاه مقطعی و زودگذر با آن رویه‌ور شوند. برای برطرف کردن این کمبودها باید نگاه کلی و همه‌جانبه وجود داشته باشد. مسئولان اگر می‌خواهند ورزش پیشرفت کند باید در سازوکار وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک، نگاه ویژه‌ای به رفع دغدغه‌های اهالی ورزش باشد، همچنین باید شایسته‌سالاری نهادینه شود، دلایلش هم این است که اگر به کسی که شایستگی‌اش را ثابت کرده، نگاه ویژه‌ای شود، انگیزه‌ای می‌شود برای ورزشکارانی که تازه می‌خواهند ورزش قهرمانی را شروع کنند. آنها وقتی این توجه را ببینند سعی می‌کنند آن قدر با انگیزه و با کیفیت کار کنند تا به آن مرحله برسند و این خودش یک رقابت خوب هم ایجاد می‌کند.»

شغل؛ حسرت مدال آوران

بررسی علل و عوامل اشتیاق قهرمانان مدال آور به مهاجرت

در گفت‌وگوی «جوان» با علیرضا سهرابیان، رئیس فدراسیون قایقرانی



اشغالزایی کنند، دولت‌مردان هر دوره از ایجاد چند هزار شغل خبر می‌دهند، انتظارمان این است که از بین آنها ۵۰۰ شغل را نیز برای قهرمانان و ورزشکاران در نظر بگیرند. ورزشکاران مدال آور ما وقتی برای تشکیل خانواده و ازدواج با پیش می‌گذارند از آنها می‌پرسند شغل چیست؟ در جواب این سؤال سرشان را پایین می‌اندازند و این شرایط واقعا برایشان سخت است. خود سال‌ها ورزشکار بودم و این معضلات را از نزدیک دیده و لمس کرده‌ام. همین اتفاق زمانی برای من افتاد، خدا کمک کرد و من صاحب شغل شدم ولی این شرایط برای من کم‌کم کرد و برای آذربایجان رفت ولی فروردین سال ۹۸ بود که به تیم ملی آذربایجان رفتم و برای ما افتخار آفرینی کرد. من که نباید برای پیدا کردن آن هم برای ملی‌پوش به عالم، و آدم رو بیندازم. درد از این بالاتر که ورزشکار می‌بندد رئیس فدراسیون برای این موضوع خودش را به در و دیوار می‌زند. من برای خانواده‌ام هر کاری می‌کنم، شکر نکند که برای دخترها و پسرهای آذربایجان از هیچ تلاشی فروگذار نخواهم بود. این قول را به نصیری داده‌ام و تا وقتی شغلی درست نشود دست‌بردار نیستم.

چرا ایجاد شغل برای ورزشکاران مدال آور تا این اندازه سخت است؟
به خاطر اینکه مدال آوران ما را با یک رشته خاص مقایسه می‌کنند. فوتبال‌بست‌ها قرار دادهای میلیاردری و در آمد خوب دارند. خوشا به سعادت‌شان و هیچ گلایه‌ای هم نداریم و این حق قهرمانان دیگر هم هست. چطور وقتی زمان بازی‌های آسیایی و المپیک می‌شود همه نگاه‌ها به سمت رشته‌های غیرفوتبالی و مدال آور است؟ مدال آوران همیشه در شرایط حساس و سرنوشت‌ساز بار و بار کشورشان بوده‌اند ولی برای ملی‌پوش‌ها باید حسرت به دل بمانند. مثلا بهمن نصیری آرزو دارد آتش‌نشان شود نه معاون وزیر آتش‌نشان‌هایی که جان‌شان کف دست‌شان است و صبح از خانه بیرون می‌آیند و برگشت‌شان با خداست. کوهوش‌ها!؟

شرایط ورزشکاران مدال آور با فوتبالیست‌ها که در آمد نجومی دارند قابل قیاس است؟

اگر بخواهم دروغ بگویم باید بگویم ما به ورزشکاران مان خیلی می‌رسیم و سعی می‌کنیم مشکل مالی ندارند. من به ورزشکاران پول توجیبی می‌دهم نه حقوق چرا که بودجه‌ای که در اختیارم است کفاف حقوق دادن را نمی‌دهد. ورزشکارم در آمدش یک‌ونیم تا ۲ میلیون تومان است اما یک فوتبالیست از ندان دستمزدش توسط باشگاه گلایه می‌کند و می‌گوید توانایی پاس کردن چک خرید خنماش در الهیه را ندارد! این شرایط را با ملی‌پوش قایقرانی مقایسه کنید، آنها حتی برای خرید مکمل‌های‌شان نیز در مضیقه هستند. ببینید فرق از کجا تا جاست.

علت این همه تبعیض چیست؟
فوتبالی‌ها حق خودشان را می‌گیرند و من نمی‌گویم چرا به آنها پول می‌دهید. درست است که آنها بعضا بیشتر از حق‌شان نیز درآمد دارند ولی حق مدال آوران سایر رشته‌ها هم بسیار پایین‌تر از حد تصور است. یک بوکسور در رینگ مبارزه می‌کند و با بابتی شکسته به خانه می‌رود، می‌رود، کشتی‌گیری که بعد از مدال آوری دستمزدش می‌کند، دوچرخه‌سواری که با همسرش سبزی می‌فروشد و... اینها گوشه‌ای از وضعیت ملی‌پوشان و مدال آوران است. این حرف ورزشکاران است. چون من ملی‌پوش بودم، کاپیتان تیم ملی بودم، مربی و سرمربی تیم ملی بودم، مدیر تیم‌های ملی بودم، دبیر فدراسیون بودم، نایب‌رئیس فدراسیون بودم و در آخر رئیس فدراسیون شدم در تک‌تک ورزشکاران را می‌دانم.

فکر می‌کنید با این شرایط بتوان وضعیت رسیدگی به قهرمانان را تغییر داد؟
مدیرانی در وزارت ورزش بودند که به فدراسیون‌های مدال آور کمک کردند. امیدوارم در دولت جدید مدیرانی روی کار بیایند که به معنای واقعی ورزشکار را درک کنند و نیازهای ورزشکاران را بشناسند. تنها چیزی که علاج ندارد مرگ است. مگر می‌شود بگویم نمی‌توانیم به قهرمانان مان رسیدگی کنیم؟ امیدواریم ورزشکاران جوان ما در دولت نماینده داشته باشند و دردشان را مستقیماً بگویند.

من تنها در مورد ورزشکارانی صحبت می‌کنم که به خاطر مشکلات مالی و از دست دادن انگیزه به خارج از کشور رفتند و امثال من نتوانستند فضا را برای استفاده از توانایی‌های‌شان مهیا سازند.

مسئولان چگونه باید از کوچ سایر سرما به‌های ورزشی پیشگیری کنند؟
یک شورایی راه‌بردی و کار گروهی با حضور افراد متخصص نیاز داریم. این افراد باید خود را مادر و پدر این ورزشکاران بدانند و خودشان را جای آنها بگذارند. ورزشکار می‌خواهد از دواج کند و فقط می‌تواند بگوید قهرمان هستم و شغلی ندارم. این وضعیت برای بهمن نصیری ملی‌پوش روئینگ هم پیش آمد. به همین خاطر بود که من از وزیر ورزش، آقای نوبخت، رئیس کمیته ملی المپیک و سایر مسئولان استان خواستم که یک شغل برای این ورزشکار دست و پا کنند. نصیری ورزشکاری بود که به تیم ملی آذربایجان رفت ولی فروردین سال ۹۸ بود که به تیم کشورش بازگشت و برای ما افتخار آفرینی کرد.

انتظار تان از دولت جدید برای حل مشکلات معیشتی ورزشکاران چیست؟
انتظار می‌رود پس از انتخاب اصلح در انتخابات ریاست جمهوری، مسئولان ورزش برای افرادی که در رقابت‌های آسیایی و جهانی افتخار آفرینی کرده و مدال گرفته‌اند



ورزشکاران مدال آور ما وقتی برای تشکیل خانواده و ازدواج با پیش می‌گذارند از آنها می‌پرسند شغل چیست؟ در جواب
این سؤال سرشان را پایین می‌اندازند و این شرایط واقعا برایشان سخت است. خودم سال‌ها ورزشکار بودم و این معضلات را از نزدیک دیده و لمس کرده‌ام

از بین رفتنی که مهاجرت کردند چه کسانی دوباره به ایران بازگشتند تا برای تیم وطن خود مسابقه دهند؟

افراد زیادی از بین مدال آوران مان به خاطر همین شرایط به خارج از کشور رفتند، به ویژه در رشته قایقرانی، مثل سعید فضل‌الله که قرار است در تیم پانهندگان در المپیک توکیو شرکت کند. علت رفتنش نیز اختلاف با فدراسیون وقت سر یک جایزه کوچک بود. در حالی که به راحتی می‌توانستند با کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش صحبت کنند و با دلجویی از این ورزشکار شرایط دیگری را رقم بزنند. می‌توانستند کار را مدیریت کنند اما نکردند. یک سال و نیم با او صحبت کردیم و سعید فضل‌الله خودش را یک ایرانی می‌داند و کشورش را دوست دارد. او به دلایل کاملاً غیرسیاسی ترک وطن کرده و به خاطر علاقه زانندش به این مرز و بوم به ما اعلام کرده که به عنوان یک لژیونر در بازی‌های آسیایی هانزو کارهای اقامتش را انجام داده است. مثل فوتبالیست‌هایی که در خارج هستند و به تیم ملی هم کمک می‌کنند.

بازگشت ورزشکاران مدال آور به کشور اتفاق خوبی است. حفظ این نخبه‌های ورزشی نیازمند چه برنامه‌های است؟
فکر کنید فرزندتان به خاطر عدم مدیریت شما و به دلیل یک اختلاف کوچک از خانه بیرون می‌رود. آیا شما در را برای همیشه روی او می‌بندید؟ یا اینکه شرایطی را مهیا می‌کنید تا فرزند با عشق و علاقه به خانه بازگردد؟ من و بقیه مدیران هم باید همین کار را انجام دهیم. گناه‌شان عدم مدیریت من و امثال من بوده است. بهانه‌ایی که به خاطر مسائل سیاسی رفتارند کاری ندارم و تکلیف‌شان مشخص است.

گفت‌وگو
شیوا نوروزی

مدال آوران و قهرمانان ورزش کشور برای اعتلای نام میهن مان عصر و جوانی خود را در اردوهای بلندمدت و طاقت‌فرسا سپری می‌کنند به این امید که با کسب مدال‌های خوش‌رنگ افتخار آفرینی کنند. ولی همین ورزشکاران نخبه از داشتن شغل و درآمد برای گذران زندگی و تأمین معیشت محروم هستند. چه بسیاری مدال آورانی که راهی جز دستفروشی، کاری و مشاغل کاذب ندارند. در روزگاری که فو تبالیست‌ها با درآمدهای نجومی خود زندگی لاکچری در دنیای واقعی و مجازی دارند، مشکلات معیشتی عرصه را بر قهرمانان سایر رشته‌ها تنگ کرده تا جایی که برخی به فکر مهاجرت و ترک وطن می‌افتند. برای بررسی مشکلات پیش روی مدال آوران و بی‌توجهی مسئولان در ایجاد شغل برای آنها پای صحبت‌های علیرضا سهرابیان رئیس فدراسیون قایقرانی نشستیم، رئیسش که خود چالش‌های معیشتی ورزشکاران را از نزدیک لمس کرده است.

چه شرایطی باعث می‌شود ملی‌پوشان ایرانی به سمت مهاجرت سوق پیدا کنند؟

همه ورزشکاران کشورمان عاشق وطن‌شان هستند و عرق شدیدی به این خاک دارند اما برخی از آنها به خاطر مشکلات شدید مالی، بیکاری، بی‌توجهی مسئولان و... به فکر مهاجرت می‌افتند. در این بین هستند گروه‌هایی که در لباس میش ظاهر می‌شوند و سعی می‌کنند افکار یک نخبه ورزشی را منحرف کنند و به سمت دیگری سوق دهند، متأسفانه با شرایطی که برخی مدال آوران موفق هم دچارش می‌شوند. این اتفاقات حاصل ضعف در قوانین ماست؛ ورزشکاری که تمام روز و شبش را برای اهتزاز پرچم کشورش تلاش می‌کند و به هدفش نیز می‌رسد اما بعد از موفقیت در عرصه‌های بین‌المللی از اشتغال به کار محروم است. شرایط به همین صورت ادامه پیدا می‌کند و ملی‌پوش بعد از سال‌ها که به سن بازنشستگی و خداحافظی از دنیای قهرمانی می‌رسد تازه می‌فهمد ای دل غافل خیلی چیزها را از دست داده و هنوز یک شغل ثابت ندارد. این موضوع باعث ناامیدی، بی‌انگیزگی و حتی سرافکنندگی‌اش می‌شود و تمام تمرکز و قدرت تفکرش را از دست می‌دهد.

از بین رفتنی که مهاجرت کردند چه کسانی دوباره به ایران بازگشتند تا برای تیم وطن خود مسابقه دهند؟

افراد زیادی از بین مدال آوران مان به خاطر همین شرایط به خارج از کشور رفتند، به ویژه در رشته قایقرانی، مثل سعید فضل‌الله که قرار است در تیم پانهندگان در المپیک توکیو شرکت کند. علت رفتنش نیز اختلاف با فدراسیون وقت سر یک جایزه کوچک بود. در حالی که به راحتی می‌توانستند با کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش صحبت کنند و با دلجویی از این ورزشکار شرایط دیگری را رقم بزنند. می‌توانستند کار را مدیریت کنند اما نکردند. یک سال و نیم با او صحبت کردیم و سعید فضل‌الله خودش را یک ایرانی می‌داند و کشورش را دوست دارد. او به دلایل کاملاً غیرسیاسی ترک وطن کرده و به خاطر علاقه زانندش به این مرز و بوم به ما اعلام کرده که به عنوان یک لژیونر در بازی‌های آسیایی هانزو کارهای اقامتش را انجام داده است. مثل فوتبالیست‌هایی که در خارج هستند و به تیم ملی هم کمک می‌کنند.

بازگشت ورزشکاران مدال آور به کشور اتفاق خوبی است. حفظ این نخبه‌های ورزشی نیازمند چه برنامه‌های است؟
فکر کنید فرزندتان به خاطر عدم مدیریت شما و به دلیل یک اختلاف کوچک از خانه بیرون می‌رود. آیا شما در را برای همیشه روی او می‌بندید؟ یا اینکه شرایطی را مهیا می‌کنید تا فرزند با عشق و علاقه به خانه بازگردد؟ من و بقیه مدیران هم باید همین کار را انجام دهیم. گناه‌شان عدم مدیریت من و امثال من بوده است. بهانه‌ایی که به خاطر مسائل سیاسی رفتارند کاری ندارم و تکلیف‌شان مشخص است.

